

پیمان سعد آباد

نوشین تدین طهماسبی

کارشناس ارشد کاخ موزه سبز

مقدمه :

سیاست خارجی ایران قبل از جنگ جهانی دوم در زمان رضاخان، بر مبنای استوار کردن موقعیت خود در برابر دو قدرت شوروی و انگلیس بود. بر همین اساس، می‌توان نزدیکی ایران به آلمان را در دوره رضاخان مورد بررسی قرار داد. اما این سیاست تنها با نزدیکی به آلمان تحقق پیدا نمی‌کرد، به همین خاطر رضاخان برقراری روابط دوستانه با دولت‌های همجوار و قدرت‌های منطقه‌ای را در دستور کار قرار داد و در ادامه همین سیاست بود که ۱۷ تیر ۱۳۱۶ پیمان مهمی بین ۴ کشور عراق، افغانستان، ترکیه و ایران در کاخ سعدآباد تهران به امضا رسید و به پیمان سعدآباد مشهور شد. در واقع آخرین قدمی که در این دوره پیش از جنگ جهانی دوم برداشته شد، امضای این قرارداد بود که وزرای خارجه ۴ کشور در کاخ سعدآباد آن را امضا کردند و اتحادی برای حفظ یکدیگر تشکیل دادند.

اهداف پیمان:

این پیمان در شرایطی میان وزیران امور خارجه این کشورها امضا شد که در افغانستان محمد ظاهرشاه، در عراق ملک غازی اول، در ترکیه مصطفی کمال (آتاتورک) و در ایران رضاخان حکومت می‌کردند. پیمان سعدآباد وحدت این ۴ کشور در منطقه و حمایت متقابل آنها نسبت به یکدیگر در صورت بروز خطر را دنبال می‌کرد.

دولت‌های امضاکننده این پیمان، متعهد شدند از مداخله در امور داخلی یکدیگر خودداری کنند، مرزهای مشترک را محترم بشمارند، از هرگونه تجاوز نسبت به یکدیگر بپرهیزند و از تشکیل جمعیت‌ها و دسته‌بندی‌ها با هدف اخلاف در صلح میان کشورهای همجوار و هم‌پیمان، جلوگیری کنند. طی این قرارداد دولت‌های عضو، ضمن تعهد در مقابله با خطر کمونیسم و همچنین تعهد بر عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، قید کردند که در کلیه اختلافات بین‌المللی که با منافع آنها در ارتباط بود، مشورت بکنند و علیه یکدیگر، عملیات متجاوزانه‌ای انجام ندهند.



مفاد پیمان سعدآباد:

پیمان سعدآباد همان عهدنامه عدم تعرض بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی افغانستان و دولت جمهوری ترکیه و دولت پادشاهی عراق است که مشتمل بر ده ماده بوده و در تاریخ ۱۷ تیر ماه ۱۳۱۶ مطابق ۸ ژوئیه ۱۹۳۷ در قصر سعدآباد به امضاء رسیده است. متن عهدنامه که در جلسه بیست و پنجم اسفند ماه ۱۳۱۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسید به شرح زیر است:

عهدنامه عدم تعرض یا پیمان سعدآباد

شاه ایران

پادشاه افغانستان

پادشاه عراق

و رئیس جمهور ترکیه



از راست به چپ: رضاشاه، آتاتورک، محمدظاهرشاه، ملک غازی اول

نظر به تمایلی که در فراهم ساختن موجبات حفظ روابط ودادیه و حسن تفاهم بین خود با تمام وسائل موجوده خود دارند و برای تأمین و استقرار صلح و امنیت در شرق نزدیک به وسیله تضمینات تکمیلیه در حدود میثاق جامعه ملل و برای کمک به صلح عمومی و برای ایفاء به وظایفی که به موجب عهدنامه تحریم جنگ مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۸ پاریس و عهد دیگر که در آنها شرکت نموده‌اند متقبل شده‌اند و تماماً با میثاق جامعه ملل و عهدنامه تحریم جنگ موافقت دارد.

تصمیم گرفتند که این عهدنامه را منعقد نمایند و برای این منظور نمایندگان مختار خود را به قرار ذیل:

شاهنشاه ایران: جناب آقای عنایت‌الله سمیعی وزیر امور خارجه ایران.

پادشاه افغانستان: جناب آقای فیض محمدخان وزیر امور خارجه افغانستان.

پادشاه عراق: جناب آقای دکتر ناجی الاصلیل وزیر امور خارجه عراق .
رییس جمهور ترکیه: جناب آقای دکتر توفیق رشدی اراس وزیر امور خارجه ترکیه .
تعیین نموده اند و مشارالیه بعد از ارائه اختیارنامه های خود که به طور مرتب تنظیم شده بود در مقررات ذیل موافقت حاصل نمودند :

ماده ۱ :

دول متعاهد متعهد می شوند که سیاست عدم مداخله مطلق در امور داخلی یکدیگر را تعقیب نمایند .

ماده ۲ :

دولت متعاهد معظمه صریحاً متقبل می شوند که مصونیت حدود مشترک یکدیگر را کاملاً محترم بشمارند .

ماده ۳ :

دولت متعاهد معظمه موافقت می نمایند که در کلیه اختلافات بین المللی که با منافع مشترک آنها مربوط باشد با یکدیگر مشورت نمایند .

ماده ۴ :

هر یک از دولت متعاهد در مقابل یکدیگر متقبل می شوند که در هیچ مورد خواه به تنهایی و خواه به معیت یک یا چند دولت دیگر به هیچ گونه عملیات متجاوزانه بر علیه یکدیگر مبادرت ننمایند .
عملیات ذیل تجاوز محسوب می شود :

اول - اعلان جنگ .

دوم - تهاجم به وسیله قوای مسلح یک مملکت حتی بدون اعلان جنگ به خاک مملکت دیگر.

سوم - حمله به وسیله قوای بری و بحری یا هوایی حتی بدون اعلان جنگ به خاک یا به سفاین و یا به هواپیماهای مملکت دیگر .

چهارم - کمک یا همراهی مستقیم یا غیر مستقیم به متجاوز .

عملیات ذیل تجاوز محسوب نخواهند شد :

۱ - اجرای حق دفاع مشروع یعنی مقاومت در مقابل یک اقدام متجاوزانه به طوری که فوقاً تعریف شد .

۲ - اقدام در اجرای ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل .

۳ - اقدام در اثر تصمیم متخذه به توسط مجمع عمومی یا شورای جامعه ملل یا برای اجرای بند ۷ ماده

(۱۵) میثاق جامعه ملل مشروط بر اینکه درمورد اخیر این اقدام بر ضد دولتی به عمل بیاید که بدواً مبادرت به تجاوز نموده باشد .

۴ - مساعدت به دولتی که مورد حمله و تهاجم یا اعلان جنگ یکی از دول متعاهد برخلاف مقررات عهدنامه تحریم جنگ مورخه ۲۵ اوت ۱۹۲۸ پاریس واقع شده باشد .

ماده ۵ :

هر گاه یکی از دولت متعاهد معتقد شود که ماده چهارم این عهدنامه نقض و یا در شرف نقض می باشد بلافاصله موضوع را در پیشگاه شورای جامعه ملل مطرح خواهد ساخت .
مقررات مذکور در فوق لطمه ای به حق دولت مزبور دائر به اتخاذ هر گونه رویه که در این موقع لازم بداند وارد نخواهد ساخت .

ماده ۶ :

هر گاه یکی از دولت متعاهد بر علیه دولت ثالثی مبادرت به تجاوز نماید طرف دیگر می تواند بدون اطلاع قبلی این عهدنامه را نسبت به متجاوز فسخ بنماید .

ماده ۷ :

هر یک از دولت متعاهد متقبل می شوند که در حدود سرحدات خود از تشکیل و یا عملیات دستجات مسلح و از ایجاد هر گونه هیأت و یا تشکیلات دیگری برای تخریب مؤسسات موجوده و یا برای اختلال نظم و امنیت هر قسمتی از خاک متعاهد دیگر (سرحدی یا غیر سرحدی) و یا برای واژگون ساختن طرز حکومت طرف دیگر جلوگیری نمایند .

ماده ۸ :

نظر به اینکه دولت متعاهد میثاق عمومی تحریم جنگ مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۸ را به رسمیت شناخته اند و به موجب میثاق مزبور تسویه یا حل هر گونه اختلاف یا تنازع (قطع نظر از کیفیت یا منشأ آن) که ممکن است بین آنها بروز نماید باید فقط به وسائل مسالمت آمیز به عمل آید این مقررات را تأییدنموده و اعلام می دارند که به هر طریق مسالمت آمیزی که برای این منظور فعلاً بین دولت متعاهد موجود و یا در آتیه موجود شود متوسل خواهند شد .

ماده ۹ :

هیچ یک از مواد این عهدنامه نمی تواند به هیچ وجه تعهداتی را که دولت متعاهد به موجب میثاق جامعه ملل متقبل شده اند تضعیف نماید .

ماده ۱۰ :

این عهدنامه که به زبان فرانسه نوشته شده در چهار نسخه به امضاء رسیده و هر یک از دولت متعاهد دریافت یک نسخه آن را اعتراف می نمایند برای مدت پنج سال منعقد می گردد .

در انقضاء این مدت عهدنامه مزبور به جز در موردی که یکی از دولت متعاهد با اطلاع قبلی شش ماه فسخ

آن را اعلام نماید برای پنج سال دیگر به خودی خود تجدید خواهد شد و این عمل مرتباً تکرار می‌شود تا آنکه یک یا چند دولت متعاهد فسخ آن را با اطلاع قبلی شش ماه اعلام دارند .

این عهدنامه در صورتی هم که به توسط یکی از دولت متعاهد فسخ شود بین دولت متعاهد دیگر معتبر خواهد بود .

این عهدنامه به توسط هر یک از دولت متعاهد بر طبق مقررات قانون اساسی آن مملکت به تصویب خواهد رسید و در جامعه ملل به توسط رئیس دارالانشاء ثبت خواهد شد و از رئیس دارالانشاء تقاضا خواهد شد که آن را با اطلاع سایر دولت عضو جامعه برساند اسناد تصویب آن به توسط هر یک از دولت متعاهد به دولت ایران تسلیم خواهد گردید به محض اینکه اسناد تصویب از طرف دو دولت متعاهد تسلیم شده این عهدنامه بین آن دو دولت به موقع اجراء گذارده خواهد شد و راجع به دولت ثالث وقتی به موقع اجرا گذارده می‌شود که دولت مزبور اسناد تصویب آن را تسلیم نماید و به همین قسم در مورد دولت چهارم نیز رفتار خواهد شد به محض تسلیم هر یک از اسناد تصویب مراتب به فوریت به توسط دولت ایران به تمام امضاکنندگان این عهدنامه اشعار خواهد شد.

در کاخ سعدآباد (تهران) ۱۷ تیر ماه ۱۳۱۶

عهدنامه عدم تعرض موسوم به پیمان سعدآباد منعقد بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت افغانستان و دولت جمهوری ترکیه و دولت عراق به شرح بالادر جلسه ۲۵ اسفند ماه ۱۳۱۶ تصویب شده است .
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

پیامدهای پیمان سعدآباد برای ایران :

پیمان سعدآباد از جهات مختلف مادی و سیاسی به ضرر ایران و به نفع سه کشور دیگر تمام شد؛ با این حال دیری نگذشت که بیهودگی پیمان سعدآباد بر همگان آشکار شد چرا که با وقوع جنگ جهانی دوم و اتحاد شوروی و انگلیس برای اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ نه تنها هیچ یک از متعاهدین این پیمان به یاری ایران نشتافتند بلکه حتی دولت عراق خاک خود را پایگاه حمله انگلستان به ایران قرار داد. پیمان سعدآباد هم از لحاظ مادی و هم از نظر سیاسی به زیان دولت ایران و به نفع کشورهای ترکیه، افغانستان و عراق بود ، زیرا قسمتی از ارتفاعات آرات که دارای موقعیت سوق الجیشی مهمی بود به ترکیه واگذار شد. در تعیین خط مرزی ایران و عراق نیز رضاشاه منابع نفتی غرب ایران و نصف شطالعرب را که

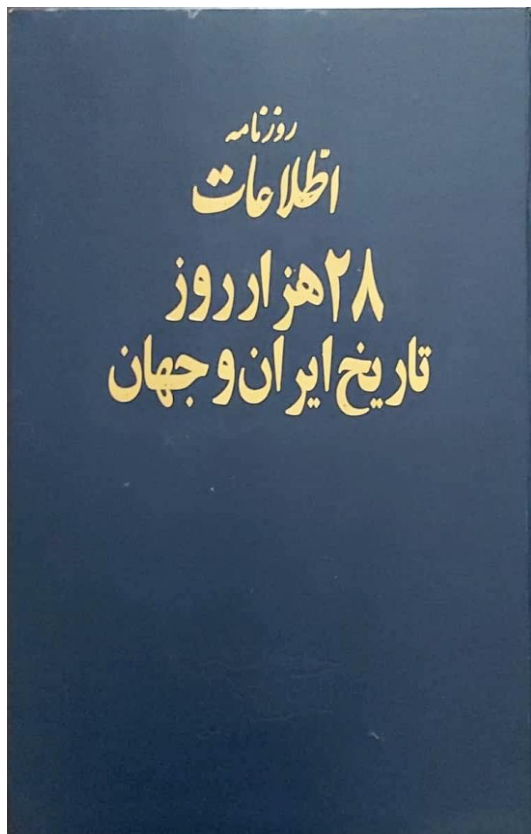
طبق اصول و مقررات بین‌المللی خط تالوک است به عراق واگذار کرد تا بابت عبور کشتی‌های نفتکش از آبادان، ایران مبالغ هنگفتی به دولت عراق تحت‌الحمايه انگلیس بپردازد. افغانستان هم با امضای این پیمان از تلاش احتمالی حرکت ناسیونالیستی ایران برای بازگرداندن مناطق تاجیک نشین این کشور در امان ماند؛ در نهایت هم استعمارگر پیر برنده واقعی غایب در این پیمان بود که با امضای این قرارداد به هدف خود برای ایجاد سدی در مقابل کمونیسم رسید.

پس از امضای پیمان سعدآباد، رضاشاه طی نطقی که به مناسبت افتتاح دوره یازدهم مجلس شورای ملی ایراد کرد، گفت: «پیمان سعدآباد در مشرق‌زمین بی‌سابقه بوده و در این هنگام که امور عالم مشوش است، مدد بزرگی به بقای صلح جهان خواهد بود.» باید به تحلیل این مساله پرداخت که این چه نوع سیاست خارجی بود؟ چرا با فشار دولت دیگری قرارداد امضا شد؟ قراردادی که با فشار دیگران امضا شود چه تضمینی وجود دارد که منافع ملی در آن لحاظ شده باشد؟ در واقع باید یادآور شد که سیاست خارجی رضاشاه در قبال این پیمان حتی در برخورد با همسایگان تازه به دوران رسیده و نوپا هم نمی‌توانست آن گونه که خود می‌خواست، تضمینی ایجاد کند.

پیمان سعدآباد از مهم‌ترین رویدادهای سیاست خارجی عصر رضاشاه است. این پیمان که میان چهار دولت ایران، افغانستان، عراق و ترکیه به امضا رسید را از جهات گوناگون می‌توان تحلیل کرد اما بلاشک نوع نگاه رضاشاه به مسائل بین‌المللی بهترین مبنا برای تحلیل این پیمان خواهد بود. با این همه، آنچه در پیرامون واقعه‌ی پیمان سعدآباد اهمیت دارد مساله «تمامیت ارضی» ایران و نتایجی است که از این قرارداد و دیگر اقدامات دولت رضاخانی بر تمامیت ارضی کشور تحمیل شد.

هنگامی که صحبت از تمامیت ارضی مملکت به میان می‌آید، نزدیک‌ترین خاطرات جمعی ملت ایران، فجایع عصر قاجاریه، قراردادهای افسوس‌بار گلستان، ترکمانچای و آخال و شاید در نمونه‌ی آخر آن، جدایی جزیره‌ی بحرین از خاک ایران در عصر فرمان‌سالاری محمدرضای پهلوی را به یاد بیاورد. با این همه، به ویژه در اذهان عمومی مردم اطلاع‌چندانی از مناقشات مرزی و ارضی ایران در عصر پهلوی اول وجود ندارد..

پیمان سعدآباد از نگاه کتاب ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان :



با مقاله اساسی روز پیروز ۱۷ تیرماه و مخصوص بعد از تبع نشر نطقهای مهمی که سیاستمداران نامی چهار کشور در اطراف پیمان سعدآباد و اعتلاف شرقی و تشریح اهمیت آن در قصر گلستان نمودند . که همه از نظر خوانندگان گرام گذشت ما خود را بی نیاز از گفتگوی تازه ای در اطراف پیمان مزبور میافتیم ولی از آنجایی که این پیمان در آینده در مقدرات سیاسی و اقتصادی ملل متعاقد تاثیرات عظیمی دارد و در حقیقت فصل جدید درخشانی در تاریخ بشری برای آنها باز خواهد کرد و همچنین از لحاظ تاثیرات عمیقی که در اذهان و قلوب بخشیده و بالاخره وجد و سرور بی منتهای خود ما باعث شد که یکبار دیگر در این باب گفتگو نماییم پیمان سعدآباد چنانکه مواد ده گانه آن حاکی است تنها یک پیمان عدم تعارض ساده منطقه ای می باشد .

که مطابق با روح اساسنامه جامعه ملل و عهد نامه ها و قوانین و مقررات بین المللی بین چهار کشور آسیای غربی منعقد گردیده و اگر بخواهیم با نظر سطحی بدون توجه به عوامل و موجباتی که موجب عقد این پیمان بوده آن را تحت مطالعه قرار دهیم .

شاید در بادی نظر متوجه اهمیت واقعی آن نشویم و آن را در شمار سایر پیمانهای عدم تعرضی که بین ملل جهان منعقد شده بشمریم ولی اگر با امعان نظر و دقت کافی کلیه عوامل و موجبات و عللی را که در ایجاد این پیمان دخیل بوده و آن افکار عالی و مقاصد و نیات بزرگی را که عامل مهم پیدایش آن شده در نظر بگیریم آن وقت بدون شک اهمیت واقعی و قدر و قیمت حقیقی این پیمان را مخصوصا در تحکیم اساس صلح و سلم در آسیای غربی استنباد خواهیم کرد. پیمان سعدآباد به خلاف بعضی از عهدنامه ها و معاهدات که روی مقاصد ماجرا جویانه سیاسی، اجبار و بالاخره برخی منافع کوچک سیاسی و اقتصادی منعقد می گردد، دوام و بقای آن نیز بستگی بهمان عوامل و علل دارد تنها یک سلسله فرمول های دیپلماسی بی روح نیست بلکه ناشی از یک حسیات عالیت و ایمان و اعتقاد شدید و حسن تفاهم کاملی هست که بین چهار کشور اعضاء ائتلاف شرقی موجود می باشد. زیرا از عمام و پیشوایان بزرگی که این ۴ کشور را اداره می کنند از لحاظ پیشرفت نقشه های وسیعی که برای تعقیب اصلاحات داخلی و ترقی و آبادی میهن عزیز خویش طرح نموده اند بعد از امنیت داخلی که بحمدالله در تمام کشورهای آنها برقرار است امنیت خارجی یعنی برقراری صلح و سلم را در حدود کشورهای خود لازم می شمردند. و باین حقیقت بزرگ ایمان دارند که جنگ و خونریزی جز خرابی و بدبختی و بیچارگی برای نوع بشر نتیجه ندارد و تنها در سایه پرچم صلح و آرامش است که بشریت می تواند از آسایش و سعادت حقیقی برخوردار گردد.

اعتقاد به این اصل کلی و نداشتن هیچگونه گله و شکایت و نقار و کدروتی از یکدیگر و همچنین مناسبات روز افزون و جاودانی همجاری و دوستی و احساس نیازمندی به کمک و معاهدت یکدیگر در امور اقتصادی و سیاسی بطور خلاصه یک سلسله عوامل فنا ناپذیر طبیعی و مهمی است که موجب شد دست ائتلاف و یگانگی یکدیگر و بقول جناب آقای دکتر رشتی اراس دیپلمات عالی مقام کشور دوست عزیز ما ترکیه (یک میهن مشترک اخوت و برادری ایجاد نمایند). همین موجبات عالی و مقدس است که به ما اجازه مکی دهد که این پیمان در آینده محور اصلی سیاست ملل آسیای غربی بدانیم و آن را در در عداد یکی از اسناد مهم سیاسی تاریخ معاصر بشمریم و به این مسئله امیدوار بشویم که در آینده بر فرض هر نوع پیشامد سوء و حدوث هر گونه تخیلات و مخاطره ای در جهان این منطقه بیطرفی خود را حفظ خواهد کرد و از آتش خانمانسوز کشمکشهای بین المللی برکنار خواهد ماند. این پیمان مقدمه زمینه همکاری وسیع و مشارکت مهمی است که بعدها از طرف ملل متعاهد در جمیع رشته های فعالیت بشری به عمل خواهد آمد و هدف این جنبشها و فعالیتها صلح و آرامش و کمال مطلوب آن آسایش و سعادت واقعی بشریت میباشد.

ما امیدواریم همانطور که مرام و آرزوی اعضای ائتلاف شرقی است کلیه ملل و دول جهان نیات و اغراض خود را که جز افزودن بر تیرگیها و ظلمتها و مشکلات و مصائب زندگی نتیجه و ثمر دیگری ندارد، بدور افکنده و از صمیم قلب برای صلح و آرامش حقیقی و پیش رفت ترقی و کمال بگوشد آن وقت است که بدون شک صدی نود از اضطرابها و نگرانیهای سیاسی و مشکلات اقتصادی کاسته خواهد شد و اهریمن تیره بختی و مذلت جای خود را بفرشته نیکبختی و سعادت خواهد داد.

اینک ملل منظم آسیای غربی دست اتحاد و برادری بیکدیگر داده با عزم و نیروی جوان و اراده و استقامتی بی پایان در تحت هدایت راهنمایی پیشوایان عالیمقام خود بسمت ترقی و کمال پیش میروند و در عین حال هدف آمل و کمال مطلوب خود را صلح و انسانیت قرار داده برای پیشرفت آن کوشش فراوان دارند و پیمان سعدآباد برنامه اساسی است که برای اجرایی این منظور تدوین گردیده . تا مل آسیایی غربی به انجام مقاصد بزرگ و ووعالی خود نایل آیند و صفحه جدید و تازه ای را افتخارات گذشته خویش بیافزایند .

۳۳۳

۲۶ خرداد ۱۳۰۲ تهران و جلال

پیمان سعدآباد

مراسم سلام عید غدیر خم

معاصر شریع و پان سلسله
امپراتور شریع که درآیند فروری
و اجبار و لایحه بعضی متابع
کوچک سیاسی و اقتصادی منظم
مکمل و تمام و پانی آنها نیز
سیاسی جهان امسال و ملل دارد
تنها یک سلسله فرمانهای سیاسی
بی روح نیست بلکه ناشی از یک
حیات عالیتر و ایمان و اعتقاد
شاید و حتی تمام گمان است که
بین چهار کشور اعضاء اتحاد
شرقی موجود میباشد

از زمانه و پیشوایان بزرگی
که این چهار کشور را اداره می کنند
از لحاظ پشت نشسته های رسمی
که برای تقویت اصلاحات داخلی و
ترقی و آبادی مبین عزیز خویش
طرح نموده اند بعد از امنیت داخلی
که بحمد الله در تمام کشورهای آنها
برقرار است امنیت خارجی هم
برقرار است و صلح و مسامحه و در حدود
کشورهای خود لازم میسرند و پان
حقیقت بزرگ ایمان دارند که جنگ
و خرابی جز خرابی و بدبختی و
بجاری برای روح بشر هیچ ندارد
و تنها در سایه برهم صلح و آرامش
است که بشریت می تواند از
آسایش و سعادت حقیقی برخوردار
گردد

اعتقاد پان اصل کلی و
نداشت هیچگونه گنه و تکلیف و
تعار و تدریسی از یکدیگر و
همچنین مناسبات روز افزون و
جاذبه همجواری و دوستی و
احساس نیازمندی یکدیگر و
معاذات بیکدیگر و امور اقتصادی
و سیاسی بطور عامه یک سلسله
عوامل فایز بر صلح و همی
است که موجب شد دست اتحاد و
یگانگی یکدیگر داده و بول حاکم
آقای دکتر رشیدی اراک دیپلمات
عالی مقام کشور دوست عزیز ما
ترکیه یک مبین مشترک اجوت و
برادری ایجاد نمایند

همین موجبات عالی و مقدس
است که با اجازه میهد این پیمان
آسیای غربی بپایم و آن را انعقاد
بخش از استاد مهم سیاسی تاریخ
بیفزایند

لنگر افکاهی متبادله بمناسبت پیمان سعدآباد

از لاری به تهران
از لاری به تهران
از لاری به تهران

کرایه خانه سمو حر مستاجر

به طرف یکی از سوارکاران

پیمان سعدآباد

با مقاله اساسی روز پیرروز
منظم ترمیم و مخصوص بعد از
طبع و نشر خط های مهمی که
جانت مدان نمایی جهان کشور
برای پان سعد آبد و اتحاد
ترکی و شریع اهمیت آن در
فصل گفتار که همه
از نظر خرافه گران گرام گفت ما
خود را بی نیاز از گفتگوی تازه ای
فراتر از پیمان مرسوم می یابیم
ولی از آنجمله این پیمان درآیند
در نظرات سیاسی و اقتصادی ملل
متعاهد تأثیرات طبیعی دارد و
موجب است افسار هدیه بر بعضی
در تاریخ شری برای آنها باز خواهد
گردد و همچنین از لحاظ تأثیرات
عینی که درآیند و لغوب بخشد
خواه ما با دست نشسته که
یکدیگر را با یک گفتار نامیم
پیمان بعد از آنکه چنانکه مراد
نه گانه آن حالی است آنها یک
پیمان عدم تعرض ساده مقتضای
میلند که طاق با روح انسانیه
و مله مل و عهدنامه ها و قوانین
مبارک بین المللی بین چهار کشور
آسیای غربی منعقد گردیده و
اگر خواهیم با نظر سطحی بدون
توجه عوامل و موجبات که موجب
عقد این پیمان بوده آرا تحت
مناظره قرار دهیم تأثیرات
ظهور یافته است از ترمیم
آرا در تمام ساریسهای عدم
ترمی که بین ملل جهان منعقد
شده هیچ
ولی اگر آرا امان نظر و دقت
کافی نگه فرمایم و موجبات و
علی را که در ایجاد این پیمان دلیل
بود و آن آگاهی و مقاصد و
نیات بزرگی را که تامل مهم
پایان آن شده بر نظر بصریم
لغت بدون شک اهمیت واقعی و
قدر و تمت حقیقی این پیمان را
معمودا در تحکیم اساس صلح و
سلام در آسیای غربی استطاف خواهیم
کرد

پیمان بعد از آنکه بخلاف بعضی
از عهد نامه ها و معاهدات که روی

نقش قدرت‌های بزرگ در شکل‌گیری پیمان سعد آباد:

برخی این پیمان را ساخته و پرداخته دست بریتانیا دانسته و معتقدند که ایران در این دوره تحت نفوذ استعمار انگلیس بوده و انگلیسی‌ها همواره از نفوذ روس‌ها به کشورهای تحت سلطه خود هراس داشتند و به دنبال بستن راه نفوذ آنها در منطقه بودند؛ و به خاطر همین طرح انعقاد چنین قراردادی را در دستور کار قرار دادند. برخی دیگر نیز شوروی را در انعقاد این پیمان مشاهده می‌کنند و عده‌ای دیگر انعقاد پیمان سعدآباد را نتیجه ذکاوت و دوراندیشی دولت‌های متعاهد دانسته‌اند.

عوامل زمینه ساز پیمان سعد آباد:

برای بررسی علل و چرایی انعقاد این پیمان لازم است نگاهی موشکافانه به سیاست خارجی ایران آن زمان داشته باشیم و بسترهای زمینه ساز این سیاست خارجی را مورد مذاقه قرار دهیم. «جیمز روزنا» یکی از تحلیلگرانی است که در رهیافت خود زمینه اتصال دو سطح تحلیل خُرد و کلان را فراهم نموده است و همین مسئله باعث شده که حتی با گذشت چهار دهه، دیدگاه وی همچنان مبنای نظری معتبری برای استفاده پژوهشگران سیاست خارجی باشد؛ رفتار خارجی کشورها را تحت تأثیر پنج متغیر فردی، نقش گرایانه، حکومتی، جامعه و سیستمیک (نظام بین الملل) می‌داند که اولویت تأثیر هر کدام در کشورهای مختلف فرق دارد. می‌توان گفت در حکومت اقتدار طلبی چون حکومت رضاشاه، متغیرهای فردی بیش از دیگر متغیرها در تعیین جهت‌گیری سیاست خارجی مؤثر است زیرا در حکومت‌های اقتدارطلب، متغیرهای نقشی و حکومتی، وابسته به متغیر فردی هستند و نمی‌توانند به طور مستقل منشأ اثر باشند. متغیر جامعه هم در این حکومتها تحت تأثیر متغیر فردی به عنصری خنثی تبدیل می‌شود.

الف) متغیر فردی:

این متغیر به ارزشها، باورها، ایدئولوژی، برداشتها، تصورات، ویژگیهای فردی و تجارب کاری تصمیم گیرندگان مربوط می‌شود. بدیهی است که در حکومت اقتدارگرایی چون حکومت پهلوی اول، علایق و دیدگاههای شاه، فراتر از قانون و در رأس هرم قدرت، نقش تعیین‌کننده‌ای در فرآیند سیاستگذاری داخلی و خارجی داشت.

رضاخان از نوجوانی در محیط نظامی رشد کرده بود لذا بافت نظامی و روحیه خشن سربازی در شکل‌گیری شخصیت وی تأثیر زیادی داشت تا آنجا که خشونت، خودرأیی، تحکم در برابر دیگران و استبداد فردی به خصوصیت بارز شخصیتی وی تبدیل شده بود. روحیه قدرت طلبی و استبداد نظامی باعث شد که او به سرعت قدرت مطلق خود را افزایش دهد و با خودکامگی به سیاستگذاری داخلی و خارجی بپردازد. رضاشاه سیاست خارجی خود را بر مبنای ایجاد موازنه و تثبیت موقعیت خود بین دو قدرت انگلیس و روسیه

استوار کرد و در این راستا علاوه بر نزدیکی به آلمان، برقراری رابطه دوستانه با کشورهای همسایه و قدرتهای منطقه را در دستور کار خود قرار داد (پیمان سعدآباد). در واقع پیمان سعدآباد تلاشی برای پیشبرد دیپلماسی منطقه‌ای حاکمان دست نشانده‌ای بود که به خیال خود نمی‌خواستند در برقراری روابط با یکدیگر قدرتهای محوری جهان را دخالت بدهند.

ناگفته نماند که رضاشاه نیز مانند دیگر سران خودکامه و دست نشانده کشورهای متعاهد نه تنها با انعقاد این پیمان سودای تقویت قدرت و افزایش وجهه منطقه‌ای خود را در سر می‌پروراند بلکه به دنبال راهی برای مقابله با تهدید جنبشهای انقلابی داخلی علیه خود نیز بود.

متغیر نقشی:

متغیر نقشی که معمولاً به عنوان شرح مشاغل یا قواعد رفتاری مورد انتظار از صاحب منصبان تعریف می‌شود، در حکومت‌های اقتدار طلب، به تقویت متغیر فردی می‌پردازد؛ در حکومت پهلوی اول نیز نقش شاه در نظام سیاسی کشور بسیار برجسته بود چرا که قانون اساسی سال ۱۲۸۵، فرامین شاه (به عنوان شخص اول مملکت) را عین قانون می‌دانست و او را از هرگونه مسئولیت در قبال مردم مبرا می‌کرد. ویژگیهای شخصیتی رضاشاه نیز باعث تقویت این نقش و تشدید خودکامگی وی می‌گردید تا آنجا که او بدون نگرانی از مسئولیت خود در قبال منافع ملی ایرانیان، به دیدگاه خود جامه عمل پوشانید و پیمان سعدآباد را منعقد کرد.

متغیر حکومتی:

در دولت کودتا، حکومت به طور کامل در اختیار پادشاه بود و نخست وزیر و وزراء با این که در واقع توسط خود شاه تعیین می‌شدند هیچ نقشی در سیاست خارجی نداشتند. مجلس هم که به مکانی تشریفاتی و نهادی مطیع اوامر شاه تبدیل شده بود پیمان سعد آباد را که هم از نظر مادی و هم از دیدگاه سیاسی به زیان کشور ما بود، تصویب کرد.

متغیر جامعه:

این متغیر نیز در حکومت اقتدار طلب رضاشاه همانند متغیر نقشی و حکومتی تحت الشعاع متغیر فردی قرار داشت و مردم به عنوان رعایای شاه هیچ گونه حق و قدرتی برای مداخله در تصمیم‌گیریهای وی نداشتند. ناگفته نماند که فرهنگ سیاسی «شاه محور» جامعه ایران نیز در تسلط رضاشاه بر فضای سیاسی جامعه نقش بسزایی داشت.

متغیر نظام بین الملل:

این مقوله شامل متغیرهای بسیاری می شود که در واقع متغیرهای خارجی هستند. به عبارت دیگر ساختار و فرآیند کل نظام بین الملل را می توان در این مقوله مورد بررسی قرار داد. ۵. ساختار موازنه قدرت نظام بین الملل، در فاصله دو جنگ جهانی با سه جریان سیاسی دموکراسیهای غربی، جبهه فاشیست و کمونیسم استالینی روبه رو بود؛ سیاست جبهه دموکراسی و به ویژه قدرت موازنه دهنده آن یعنی انگلستان، در قبال دو جبهه دیگر، در مناطق مختلف جهان از جمله منطقه حساس خاورمیانه منشأ وقوع حوادث مهمی گردید. انگلستان که در این زمان سراسر خاورمیانه را به طرق مختلف تحت نفوذ و سلطه خود گرفته بود و از سالها قبل به فکر ایجاد سدی آهنین در جنوب شوروی بود تا از توسعه طلبی و نفوذ کمونیسم به سمت خلیج فارس و چاههای نفت جنوب ایران جلوگیری کند، مساعی خود را به کار گرفت تا زمینه انعقاد یک پیمان منطقه ای بین دولتهای دست نشانده منطقه را فراهم کند؛ بدین ترتیب بر اثر کوشش انگلیسیها زمینه های حل اختلافات و انعقاد پیمان سعد آباد بین ایران، ترکیه، عراق و افغانستان فراهم گردید. علاوه بر این، روی کار آمدن هیتلر که باعث اوج گیری قدرت جبهه فاشیست در سالهای پایانی دهه ۱۹۳۰ شده بود، انگلستان را به واکنش واداشت. دولتهای ضعیف منطقه خاورمیانه برای تعدیل فشار شوروی و انگلیس به سوی آلمان به عنوان نیروی سوم متمایل بودند و این مسئله که نفوذ روزافزون فاشیسم در خاورمیانه را میسر کرده بود زنگ خطری برای جبهه دموکراسی محسوب می گردید و بهترین راه کار مقابله با آن یک پیمان امنیتی منطقه ای بود. از این جهت می توان گفت پیمان سعد آباد که با تلاش و بنا به صلاح دید انگلستان منعقد شد، علاوه بر کمونیسم، نفوذ روز افزون فاشیسم در خاورمیانه را نیز هدف قرار داده بود.

فرجام پیمان سعد آباد:

در عمل، این پیمان راه به جایی نبرد، چرا که ایران در عمل تمایل به آلمانی داشت که شریک شوروی بود. کارشناسان آلمانی در بسیار از مؤسسات ایران، از جمله راه آهن، مخابرات، حمل و نقل و اسلحه سازی خدمت می کردند. از همین رو، ناکارآمدی پیمان مزبور در شهریور ۱۳۲۰ ظاهر گشت. چرا که ایران از سمت شمال و جنوب مورد تجاوز قدرت های خارجی قرار گرفت و کشورهای هم پیمان نه تنها کمکی به ایران نکردند بلکه از اظهار تأسف هم خودداری کردند.

نتیجه گیری:

پیمان سعدآباد هم از لحاظ مادی و هم از نظر سیاسی به زیان دولت ایران و به نفع کشورهای ترکیه، افغانستان و عراق بود، زیرا قسمتی از ارتفاعات آرات که دارای موقعیت سوق الجیشی مهمی بود به ترکیه واگذار شد. در تعیین خط مرزی ایران و عراق نیز رضاشاه منابع نفتی غرب ایران و نصف شطالعرب را که طبق اصول و مقررات بین المللی خط تالوک است به عراق واگذار کرد تا از بابت عبور کشتی های نفتکش از آبادان، ایران مبالغ هنگفتی به دولت عراق تحت الحمايه انگلیس بپردازد.

پس از امضای پیمان سعدآباد، رضاشاه طی نطقی که به مناسبت افتتاح دوره یازدهم مجلس شورای ملی ایراد کرد، گفت: «پیمان سعدآباد در مشرق زمین بی سابقه بوده و در این هنگام که امور عالم مشوش است، مدد بزرگی به بقای صلح جهان خواهد بود.» باید به تحلیل این مساله پرداخت که این چه نوع سیاست خارجی بود؟ چرا با فشار دولت دیگری قرارداد امضا شد؟ قراردادی که با فشار دیگران امضا شود چه تضمینی وجود دارد که منافع ملی در آن لحاظ شده باشد؟ در واقع باید یادآور شد که سیاست خارجی رضاشاه در قبال این پیمان حتی در برخورد با همسایگان تازه به دوران رسیده و نوپا هم نمی توانست آن گونه که خود می خواست، تضمینی ایجاد کند.

منابع:

- ۱- روز نامه اطلاعات ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان ۱۳۰۴
- ۲- سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷ عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز
- ۳- تاریخ بیست ساله -حسین مکی، نشر امیر کبیر
- ۴- تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی -علیرضا امینی، نشر صدای معاصر
- ۵- مکی، حسین؛ تاریخ بیست ساله ایران، تهران، انتشارات علمی، ج ۶، ۱۳۷۶ .
- ۶- پارسا، غلامعلی؛ سیاست خارجی رضاشاه، مشهد، نشر الف، چاپ اول، ۱۳۸۲ .
- ۷- فصلنامه همشهری ماه، شماره پانزدهم، تیرماه ۱۳۸۶ .
- ۸- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا؛ سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، نشر البرز، چاپ دوم، ۱۳۷۴ .
- ۹- نفیسی، سعید؛ تاریخ معاصر ایران، تهران، انتشارات فروغی، ۱۳۴۵ .
- ۱۰- مدنی، سیدجلال‌الدین؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱ .
- ۱۱- نوری اسفندیاری، فتح الله؛ رستاخیز ایران، تهران، ابن سینا، ۱۳۳۶
- ۱۲- مختاری، حبیب‌الله؛ تاریخ بیداری ایران، تهران، ۱۳۲۶